

## نقش معنویت در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

هادی حسین پور نوده<sup>۱</sup>

رضا حاج خلیلی

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

معنویت، غلبه دادن و حاکم کردن جنبه‌ی اعلائی وجود بر جنبه‌ی اسفل آن بوده که این تعریف در فرد، جامعه و نیز عرصه‌ی نفس و آفاق صادق است. جامعه‌ی اسلامی به دنبال پیوند زندگی و بندگی است و می‌خواهد دین و معنویت را به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در همه‌ی سطوح فرایندهای اجتماعی وارد کند. در این نگاه، جامعه‌ی منهای معنویت، یک جامعه‌ی شکست‌خورده در همه‌ی عرصه‌ها است. حتی اگر در عرصه‌های تکنولوژی و صنعت پیشرفت‌های ظاهری هم داشته باشد؛ ولی در درون خود دچار فروپاشی شده و از امنیت و آرامش برخوردار نخواهد بود.

انسان مطلوب اسلام، انسانی است که ارتباط با خدا را بهترین ابزار موجود برای آرامش روحی خود یافته و می‌کوشد که در بستر آن، زمینه‌های پیشرفت خود و جامعه‌اش را فراهم کند. معنویت، کلیدواژه‌ی اصلی مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> در خودسازی فردی و اجتماعی و پیشرفت اسلامی در ابعاد مختلف است؛ به همین جهت، یکی از توصیه‌های اساسی رهبر معظم انقلاب<sup>(مدظله)</sup> در بیانیه‌ی گام دوم به‌عنوان سندی راهبردی و تمدن‌ساز، معنویت است. واکاوی ابعاد و جایگاه ارزشمند معنویت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، ذهن نگارنده را به خود معطوف نمود تا به بررسی نقش‌های مختلف معنویت در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بپردازد که البته پیش از این نیز سایرین از جهاتی به این موضوع پرداخته‌اند. روش نویسنده در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و با استناد به سخنان مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup>، درصدد یافتن مجهول خویش می‌باشد. در نتیجه با توجه به اقدامات صورت‌گرفته، می‌توان مواردی از قبیل کوشش در جهت تعمیق فرهنگ ارتباط با خدا در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز تقویت مبانی اندیشه‌ای جوانان -که مخاطب اصلی بیانیه هستند- از طریق گام نهادن در عرصه‌ی تولید علوم انسانی اسلامی را اقدامی مؤثر در راستای سرعت بخشیدن به روند پیشرفت جامعه‌ی اسلامی دانست.

### واژگان کلیدی

معنویت، پیشرفت، جامعه‌ی اسلامی، تکامل انسان

۱ پژوهشگر مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



معنویت یکی از مفاهیمی است که در هندسه معرفت دینی و پیشرفت اسلامی نقش محوری و زیربنایی دارد. قدرت‌های حاکم در جامعه جهانی، به ویژه در سده اخیر، به حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی از زندگی جوامع بشری پرداخته و به صورت جدی این موضوع را دنبال کرده‌اند و نتیجه آن نیز گسترش فساد اخلاقی و بی بندوباری گردیده است. در واقع در جامعه کنونی، معنویت را می‌توان حلقه گمشده روابط اجتماعی دانست. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه بر این باور بودند که تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد، محال است انسان از خود بگذرد و در فکر امت باشد (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۲۶ و ۳۵۰).

انسان به معنویت از آغاز تا فرجام زندگی اش نیاز ذاتی دارد و هرگاه از چنین نیاز وجودی غفلت کرده، دچار خسارت‌های فراوان شده و آنگاه که به این نیاز درونی و فطری از مسیر صحیح توجه داشته است، دارای آرامش، آسایش و صاحب پیشرفت در ساحت‌های گوناگون زندگی شده است. معنویت است که فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماری‌های اخلاقی و روحی و حتی مشکلات گوناگون اقتصادی و سیاسی حفظ می‌کند و یک جامعه معنوی دارای مصونیت از خطرات مختلف خواهد بود.

بنابراین، پرداختن به نقش و اثرات معنویت در روند پیشرفت و تکامل انسان و جامعه اسلامی، جزء کارهای مهمی است که می‌تواند در تربیت معنوی افراد جامعه بسیار مؤثر باشد و با بیان آینده روشن، گام نهادن در این مسیر، نوع بشر را از سقوط بیشتر در گرداب نیازهای مادی باز دارد.

یکی از توصیه‌های اساسی که رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در بیانیه گام دوم به‌عنوان سندی راهبردی و تمدن‌ساز مطرح کرده‌اند، معنویت و اخلاق است. با واکاوی ابعاد و جایگاه ارزشمند معنویت در این مسیر، لازم دیده شد تا به بررسی نقش‌های مختلف معنویت در پیشرفت جامعه اسلامی پرداخته شود. نوشتار حاضر با عناوینی چون تکامل انسان، تقویت ارتباط با خدا، رشد فضایل اخلاقی و رشد علمی به بررسی این مسئله می‌پردازد. این مسئله با کاوش روشمند از بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی انتخاب شده و با روش توصیفی و تحلیلی که گردآوری اطلاعات اولیه نیز کتابخانه‌ای و با ابزار فیش است، در بستر فرمایشات ایشان طی ۴۰ سال پس از انقلاب، بررسی شده است.



مسئله نقش و کارکرد معنویت از مدت‌ها قبل ذهن بشر را به خود مشغول ساخته و اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان به بررسی آن پرداخته‌اند. با ورود بشر به عصر تکنولوژی و هدایت بشر به زندگی مادی، تمرکز بیشتری روی این موضوع صورت گرفت. در دوران انقلاب اسلامی نیز با مشاهده رسوخ و نفوذ فرهنگ غربی در جامعه، افرادی در دهه اخیر با توجه به سخنان راه‌گشای مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> به بررسی کارکردهای معنویت با تمرکز بر سخنان ایشان پرداخته‌اند. در این زمینه کتاب معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی (خلیلیان، ۱۳۹۳) و نیز مقاله «کارکردهای معنویت در عرصه اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (رودگر، ۱۳۹۲: ۵۹) را یافتیم که نسبت به سایر منابع، همخوانی بیشتری با عنوان این مقاله داشت که این متون فارغ از نگاه تحلیلی بوده است، به‌عنوان مثال کتاب مذکور، معیارها و شاخص‌ها را با تمرکز بر انسان و به صورت فردی بررسی کرده و مقاله پیش‌گفته نیز بیشتر به بیان سخنان مقام معظم رهبری<sup>مدظله العالی</sup> درباره معنویت و نقش آن در اجتماع پرداخته است. در این مقاله بر آنیم تا با رویکردی تحلیلی، نقش‌های مختلف معنویت را با سخنان مقام معظم رهبری<sup>مدظله العالی</sup> مطابقت دهیم و اثرات هر یک را در روند پیشرفت جامعه اسلامی بررسی نماییم.

## تکامل انسان

تکامل به معنای شدن و شکفتن و فعلیت همه قوای وجودی انسان است. تکامل و توسعه انسانی غرب در ابتدا بر مبنای فرایند تحول جامع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با هدف بهبود مستمر رفاه همه انسان‌ها بدون توجه به نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب شکل گرفته است. عصر حاضر را که از سال ۱۷۵۰ میلادی آغاز می‌شود، دوران رشد نوین اقتصادی می‌نامند (کوزنتس، ۱۳۷۲: ۱۴).

سیر معقول و منطقی رسیدن به مرحله رشد نوین اقتصادی در غرب، بر مبنای اندیشه سکولاریسم صورت گرفته است؛ از این رو، جامعه‌ای که بخواهد در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار بگیرد، به ناچار باید با نگرشی سکولار به هستی، تحول لازم را پدید آورد. توسعه انسانی غرب در ادامه فرایند توسعه اقتصادی خود و به‌عنوان حرکتی متمایز مطرح شده است.

در همین زمینه مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> می‌فرمایند: «مشکل کسی که عاری از معنویت است، جای دیگر است. مشکل او یک بعدی بودن، تهی دست بودن از یک ثروت لازم دیگر است و همت را فقط متوجه یک بخش کردن است که آن وقت ضررهایش را هم دارند می‌بینند. امروز جامعه آمریکایی تا خرخره در گنداب این ضررها دست‌وپا می‌زند و بدتر هم خواهد شد» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

اندیشه و عملکرد توسعه انسانی غرب، به سمت دور شدن از معنویت و گرایش به مادیات بوده است؛ از این رو، سیر تکاملی انسان در مسیر پرورش استعدادها و قابلیت‌های مربوط به جنبه‌های معنوی و فضایل انسانی نادیده گرفته شده است، چنانکه می‌توان مدعی شد احساس پوچی و بلا تکلیفی بشر معاصر، ناشی از کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی و معنوی در فکر و رفتار اوست. انسان غربی، انسانی لذت‌اندیش است که با به‌کارگیری ادراکات عقل ابزاری خود، راهکارهای کامیابی بیشتر از امور مادی را دنبال می‌کند. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله العالی)</sup> علت اصلی خستگی و فشارهای روحی جوانان را کمبود معنویت معرفی می‌کند و آن را عامل افزایش خودکشی‌ها و متلاشی شدن خانواده‌ها و آوارگی جوانان می‌داند، زیرا معتقد است معنویت برای بشر نقش غذا و تغذیه روح را دارد که همانند نیاز جسم به غذا، روح انسان به آن نیازمند است و در صورت غفلت از آن، به این پوچی می‌انجامد (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام، ۱۳۷۴/۳/۱۴).

در اندیشه انسان جدید، خداوند جایی ندارد. وی حتی اگر به خدا معتقد هم باشد، این اعتقاد در رفتار او بی‌تأثیر است. پیوستگی و گستردگی ارتباطات جهان امروز، بحران غرب را بحرانی جهان شمول کرده و به همه دنیا سرایت داده است. بافت خانوادگی انسان جدید مذهبی نیست؛ به همین سبب، تعلقات و دغدغه‌هایی که به زندگی معنا و مفهوم می‌بخشد را نمی‌توان در زندگی وی یافت، ولی به محض رویارویی با مصیبت و نارسایی، آن را پایان راه خود دانسته و دیگر دلیلی برای تداوم حیات خویش نمی‌یابد. این بحران پوچی و بی‌معنایی زندگی، متأثر از همان روحیه مادی‌گرایی است. پوچی گاه به صورت احساسی و گاه به شکل طغیان و ناهنجاری‌های اجتماعی و گاه نیز به شکل خودکشی بروز و ظهور می‌یابد (برای مطالعه بیشتر ر.ک. سیدمرتضی آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ۱۳۱ - ۱۵۴).



در فرهنگ‌های به ظاهر پیشرفته، از پرورش استعدادهای اصیل انسانی خبری نیست. گویا بشر با دستیابی به تمام آمال و آرزوهای دنیوی خویش، به کمال رسیده و دیگر هدفی پیش روی خود نمی‌یابد و رفتن از مرحله‌ای به مرحله‌ی بالاتر و پیمودن سیر تکاملی را باور ندارد. انسان متمدن امروز در عرصه‌ی تسلط بر امیال و شهوات خویش توفیق چندانی نداشته و انسانیت خود را به فراموشی سپرده است. روگردانی از ارزش‌های اصیل انسانی و حاکمیت بی‌بندوباری در کشورهای مترقی سبب شده است که روزبه‌روز تیرگی دل بیشتر و آن نور معنوی که سبب روشنی دل است، کم‌فروغ گردد. این افول ارزش‌های اخلاقی و نادیده گرفتن تمایلات معنوی در وجود انسان‌ها، بحران‌های عظیم معنوی را با خود به همراه داشته است. یکی از پیامدهای ناگوار بینش مادی در زندگی مدرن، سست شدن بنیان خانواده است. با گسترش بینش مادی، تقدس خانواده و تعهدات اخلاقی اعضای خانواده به شکل نگران‌کننده‌ای کاهش یافته است که آمار بالای طلاق، فرزندان رها شده در جامعه - که خود منشأ بسیاری از مشکلات و معضلات و هنجارشکنی‌های اجتماعی است - پرخاشگری و... گواهی روشن بر تزلزل بنیان خانواده در جوامع غربی است. تغییرات و دگرگونی‌های اخیر و تبدیل شدن انسان به ابزار مکانیکی تولید، زوال شخصیت والای انسانی را در پی داشته است. شیء شدن روابط انسانی در غرب، فرایندی است که به از خودبیگانگی انسان انجامیده است.

مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> در تبیین اوج انحراف جامعه‌ی آمریکا از مدار معنویت می‌فرماید: «اوج دوری از انسانیت و معنویت و اخلاق و فضیلت را هم شما در همین جامعه‌ی آمریکایی می‌بینید که قبل از این در هیچ جامعه‌ی دیگری دیده نشده است. امروز مستکترترین کارهای بشری، اخلاقی، جنسی و اجتماعی در همین جامعه‌ی پیشرفته و جوامع نظیر آن به شکل قانون و عرف مقبول درآمده است. گناه در همه‌ی جوامع بشری هست، اما گناهی که عرف و قانون بشود و برای آن سرمایه‌گذاری و از آن دفاع شود، انحرافی بی‌نظیر است. امروز این انحراف، در جامعه‌ی آمریکایی به‌عنوان پیشرفته‌ترین جامعه‌ی علمی، صنعتی، مالی، اقتصادی و سیاسی به روشنی و وضوح مشاهده می‌شود» (بیانات در دیدار طلاب مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

انسان در اسلام از هویت وجودی‌ای برخوردار است که اضلاع سه‌گانه‌ی طبیعت، غریزه و فطرت را توأمان و متناظر با هم دارا است. از ارزش‌ها و ضدارزش‌هایی برخوردار است که

صدارزش‌ها با ضلع طبیعت و ارزش‌ها با ضلع فطرت وجودی‌اش تفسیر می‌شوند. انسان اسلام، انسانی است که از مبانی‌ای چون فطرت الهی، تک سرشت بودن، مختار بودن و... برخوردار است که این مبانی عامل مهمی خواهد شد تا انسان در حیات فردی و اجتماعی‌اش به پیشرفت متناسب و متناظر با همه ابعاد و نیازهای خویش دست یابد و به تعبیر قرآن کریم، حیات طیبه را برای خود تقدیر نموده (نحل: ۹۷)؛ (فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) و آنگاه به آن تحقق عینی بخشد.

در قرآن کریم، شالوده حیات طیبه بر بینش و گرایش پاک یا عقیده، اخلاق و عمل طیبه بنا شده است. حیات طیبه، حیاتی است که همه شئون و مراتب آن تحت ولایت و تدابیر الهی باشد، حیاتی که از علم غیرنافع، عمل غیرصالح، جهل، غفلت از یاد خدا و... رها شده و متصف به برترین اوصاف مانند یاد خدا، انجام واجبات، ترک محرمات و... شده است. تکامل و تعالی در معارف اسلام به یک حرکت همه‌جانبه باز می‌گردد که در آن بعد فرهنگی و معنوی اصالت دارد. توسعه و پیشرفت نیز برای انسان و رفاه او است (رودگر، ۱۳۹۵).

مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> در سخنانی درباره حیات طیبه می‌فرمایند: «درآمد کلان آن کشور (آمریکا) مخصوص عده‌ای است. بقیه از آن بهره‌ای ندارند. این، آن جامعه‌ای است که مادیت دارد، اما معنویت ندارد. اسلام نمی‌خواهد این‌طور جامعه‌ای درست کند. اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است» (بیانات در جمع مردم ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲).

«اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادت‌مند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید، فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید. حیات طیبه اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام، دنیای مردم را آباد می‌کند، منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است» (بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸).



بنابراین در اسلام، پیشرفت فقط به معنای ارتقاء فرایند تولید نیست، بلکه فرایند خوداتکایی در تولید به همراه عدالت در توزیع است؛ به عبارت دیگر، آنچه در باب پیشرفت، مورد نظر اسلام است، بار مکتبی و اخلاقی آن است و به همین جهت عواملی را تقویت می‌کند که انسان را در ارتقاء معنویت، اخلاق، تربیت و دستیابی به حیات طیبه یاری رساند و زمینه‌ی رشد معنوی خود و جامعه‌اش را فراهم سازد.

در سایه‌ی روح معنوی حاکم بر جامعه، روابط انسانی و الهی برقرار می‌شود که حسن روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در پی دارد و ریشه‌های بدخواهی، غرور و خودکامگی را می‌خشکاند و زمینه‌ی تبدیل حرص و طمع فردی را به تعاون و اخوت فراهم می‌سازد و سرنوشت نسل‌های بعد را دگرگون می‌سازد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۷).

در حقیقت، پیشرفت زمینه‌ی استقلال، آزادی و آزادگی، عدالت و عزت را فراهم کرده و روابط اجتماعی را براساس آن تنظیم می‌کند و به آحاد جامعه قدرت حرکت و نشاط و احساس مسئولیت می‌بخشد. پس مفهوم پیشرفت در اسلام، خصوصیات جامعی دارد و شامل تمام جنبه‌های اخلاقی، روحی و مادی می‌شود و افزون بر به حداکثر رساندن نفع مادی، به دنبال دستیابی انسان به سعادت در دنیا و آخرت است؛ از این رو، اهداف تکامل و پیشرفت انسان را از دیدگاه اسلام می‌توان در دو سطح مطرح کرد؛ هدف نهایی که همان سعادت و قرب الهی است و اهداف میانی که می‌تواند تأمین نیازهای مادی و رفاه نسبی، رشد مکارم اخلاقی، عدالت اجتماعی، آزادی و آزادگی، امنیت و آرامش باشد.

### تقویت ارتباط با خدا

بحث بر سر اینکه آیا لازمه‌ی پیشرفت آن است که دین از ساحت‌های زندگی بشر کنار گذاشته شود، از جمله مباحث مهم، سرنوشت‌ساز و چالشی بین اندیشمندان دینی و روشنفکران سکولار طی چند قرن گذشته بوده است. یکی از ویژگی‌ها و وجوه دنیای مدرن، القاء تصورات خیالی و واقعیت‌های مجازی است که با قدرت رسانه‌های گروهی، افکار عمومی را به خود مشغول ساخته و با ایجاد ارزش‌های دروغین و مبتذل پیشروی می‌کند. قرار گرفتن انسان‌ها در این محیط‌های فرهنگی و اطلاعاتی جهانی شده، وابستگی‌های مکانی و اجتماعی و تاریخی و فرهنگی را از انسان سلب نموده و حس غربت را برای او به ارمغان می‌آورد. (نکویی سامانی، ۱۳۸۶).

انسان مدرن با اصالت دادن به رشد اقتصادی و مادی، از معنویت و مذهب دور شده و با هجوم انواع مخاطره‌ها و ناامنی‌ها و یأس و احساس بی‌هویتی و خلأ معنوی و اخلاقی مواجه گردیده است. انسان غربی هم از سنت‌های مذهبی خود و هم از سنت‌های خانوادگی و اجتماعی خود بریده و به فقر معنوی مبتلا شده است. انسان امروز غربی در گرداب تحول، ثبات هویت وجودی خود را از دست داده و به صورتی جنون‌آمیز در تلاش است تا همه عطش وجودی خود را با سراب دنیا سیراب کند؛ از این رو، همواره در تجربه بی‌وقفه اشیا مادی و لذت‌های دنیوی سر از پا نمی‌شناسد.

درواقع می‌توان با تفسیری جامعه‌شناختی گفت روزگار نو، روزگار بحران‌ها است. بیکاری، گرسنگی، تورم، خشکسالی، جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، توزیع ناعادلانه ثروت، بحران هویت و خلأ معنویت همگی نشانه‌های بحران در نوع نگاه بشر به جهان هستی و انسان است. ریشه این بحران را نیز می‌توان در دوری انسان از خدا و غفلت از خود دانست؛ چراکه در صورت اصلاح رابطه انسان با خود و خدا، می‌تواند به پاسخ بسیاری از گمشده‌هایش دست یابد. مقام معظم رهبری<sup>مدظله‌العالی</sup> راز پیشرفت یک انسان را به صورت شخصی و فردی و یک جامعه را به صورت جمعی، حفظ رابطه با خدا می‌داند و عیب بزرگ دنیای مادی غرب را قطع رابطه با خدا بیان داشته و غفلت از ارتباط با خدا را عامل انحطاط معنوی و لغزش‌های فراوان اخلاقی معرفی می‌نمایند (بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۹/۲۳).

یکی از شاخصه‌های بارز عصر حاضر، کم‌رنگ شدن خداباوری و معنویت‌گرایی است. بشر امروز به دلیل تهی شدن از ارزش‌های الهی و معنوی در مسیر انحراف و خشونت و بی‌عدالتی گام برداشته است. انسان مدرن با اعلام استقلال و استغنا خود از خدا، به عالم معنا پشت کرده و رویکردی سکولاریستی اتخاذ نموده است. در واقع با غفلت از چندبعدی بودن انسان و نادیده گرفتن نیازهای متفاوت و متنوعی که دارد، تنها یک قسمت از نیازمندی‌هایش، یعنی نیازهای مادی را مورد توجه قرار داده و قسمت دیگر که نیازهای معنوی و مربوط به روح و فکر و خیال و آرامش درونی است را نادیده گرفته است. از جمله این نیازهای معنوی انسان نیز روح خداجویی و احساس تکیه بر یک قدرت برتر و جاودانه است. در دنیای امروز نوعی شتاب و عجله نامعقول که لازمه مدرنیسم و تجدیدطلبی است،





امکان چشیدن مزه و طعم زندگی واقعی را از انسان سلب نموده است. انسان هرچه بیشتر می‌خواهد به لذت مطلق و رفاه و قدرت دست یابد، به دلیل نگاه ناقص و معیوبی که نسبت به خود و جهان دارد، از منزلت انسانی خود دور شده و به سمت تش و کشمکش و بهره‌وری از سایر هم‌نوعانش سوق داده می‌شود.

مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> در دیداری با اقسار مختلف مردم (۱۳۹۲/۳/۲۲)، با بیان نقش ارتباط و توکل به خدا در انتخاب مسیر جامعه اسلامی می‌فرماید: «در این راه عظمت و عزتی که ملت ایران در پیش دارد، توجه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا يك نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند. همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه می‌کنند. در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظن به وعده الهی کأنه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند، بهتر از شما هم می‌کنند. چرا روزبه‌روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟ چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ ... خب این خودش عقب‌رفت است. هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادی. روزبه‌روز تمدن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود می‌تند و این مشکلات این‌ها را از پا خواهد انداخت. این به‌خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است، این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است.»

شرط اصلی اسلامی بودن برنامه و مسیر پیشرفت، آن است که افراد جامعه براساس حدود و مقررات اسلامی عمل کنند؛ یعنی عبادت و پرستش خدا را انجام داده و از گناهان اجتناب ورزند. عبادت و پرستش و ارتباط با خالق هستی بخش با پیشرفت و تعالی انسان و به تبع آن تعالی و کمال جامعه اسلامی رابطه مستقیم دارد. در فرهنگ اسلامی، ارزش هر انسانی به میزان عبودیت او و قرار گرفتن در مسیر بندگی خدا است. در مسئله پیشرفت جامعه اسلامی، افزون بر نفس عبادت و ارتباط با خدا، آثار فردی و اجتماعی مترتب بر عبادت نیز منظور است. عبادت و پرستش خداوند و به‌طورکلی ارتباط با خالق هستی بخش از طرق مختلفی صورت می‌گیرد که در این قسمت به بیان برخی از آن‌ها و نیز چگونگی تأثیر هر یک در روند پیشرفت جامعه اسلامی می‌پردازیم:

**الف) نماز:** درجه‌اعلای عبودیت و نهایت تذلل به درگاه الهی و وسیله‌ای برای ارتقاء رتبه انسان پرهیزکار شمرده می‌شود (کلینی، ۱۳۸۷: ۲۶۵). نماز، عامل نیرومند و بازدارنده‌ای



است که با توجه انسان به مبدأ و فرجامش، آثار فراوانی در زندگی فرد و اجتماع بر جای می‌گذارد. برنامه نماز به‌طور منظم و روزانه پنج نوبت صورت می‌گیرد؛ ازین رو، روش تربیتی که اسلام از طریق اقامه نماز درصدد دستیابی به آن است، با پیشرفت انسان و جامعه رابطه مستقیم دارد؛ زیرا ادای صحیح نماز در نوبت‌های پنجگانه، نیازمند پاکی کامل انسان از آلودگی‌های ظاهر و باطن است و انسان زمانی می‌تواند مدعی نماز حقیقی باشد که شرایط و مقدمات انجام آن را به درستی رعایت کرده باشد. لازم به ذکر است که هرچه نماز با توجه و خلوص بیشتری باشد، روحیه خداترسی، حق‌پذیری، احساس مسئولیت و هر آنچه که برای انسان متعالی و جامعه پیشرفته لازم است، بیشتر زنده و تقویت می‌شود.

**ب) روزه:** روزه در حقیقت، روح معنوی انسان را تقویت می‌کند و اراده او را جهت اجتناب از گناه مستحکم می‌نماید. نهادینه شدن این فریضه در جامعه علاوه بر آثار معنوی، سبب تحقق و تداوم روح برادری و تقویت تعاون و کفالت عمومی می‌شود. گرسنگی و تشنگی روزه، موجب درک مستمندان و نیازمندان شده و احسان و انفاق فزونی می‌گیرد و بدین ترتیب جامعه اسلامی به جامعه‌ای متعادل تبدیل می‌شود و رشد معنوی در آن افزایش می‌یابد. آمارهای رسمی همه ساله از کاهش چشمگیر میزان فسق و فجور در ماه مبارک رمضان، خود گواه محکم و دلیلی واضح بر این مدعا است. در ماه مبارک رمضان، اقبال عمومی به کسب حلال افزایش می‌یابد و انواع فسق و فجور و جنایات نیز کاهش می‌یابد که این نشان از برنامه جامع اسلام جهت پیشرفت جامعه اسلامی است.

**ج) حج:** اسلام، بهره‌گیری از تمامی امکانات مادی و معنوی فراهم شده در دنیا به منظور تکامل انسان را هدف خود قرار داده است تا پیشرفت مطلوب جامعه اسلامی حاصل گردد. از مهم‌ترین آثار حج که موجب پیشرفت جامعه اسلامی می‌شود، تقویت روحیه دینداری و تجدید میثاق با اولیاء الهی است. در حقیقت مناسک حج را می‌توان الگویی نمادین از حیات طیبه پیشرفت انسانی اسلام در مقطع زمانی کوتاه دانست که انسان را در عین استفاده از تکنولوژی و امکانات مادی هر عصر و زمان، متوجه هدف اصلی خلقت و رشد و کمال وی می‌کند. در این همایش عظیم، نشانه‌های واضح و روشنی از راهکارهای لازم برای پیشرفت فرد و جامعه اسلامی به صورت عملی مشاهده می‌شود. کنار رفتن مرزهای جغرافیایی، رنگ، نژاد، رسوم و فرهنگ خاص هر ناحیه به شکل‌گیری امت واحد اسلامی و لزوم اتحاد و برادری



بشارت می‌دهد؛ همچنین افراد را از غرق شدن در اهداف میانی و فراموش کردن هدف اصلی پیشرفت - که همان قرب الهی و سعادت است - باز می‌دارد.

**د) جهاد:** کمال و پیشرفت انسان در گرو جامعه‌ای امن و مستقل و باثبات از نظر سیاسی و اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، اگر انسانی در صدد تزکیه نفس و تعالی خود باشد، ولی امنیت و آزادی نداشته باشد، با مشکلات گوناگونی روبه‌رو می‌شود که مانع او می‌شود. هر جامعه‌ای که به دنبال آزادی و آزادگی، کرامت و انسانیت، استقلال سیاسی و اقتصادی، حفظ دین و فرهنگ خودش باشد، با مخالفان و دشمنان به مقابله برمی‌خیزد؛ بنابراین، جهاد و دفاع برای حفظ عزت و کیان اسلام در پیشبرد اهداف برنامه تعالی و پیشرفت جامعه اسلامی امری ضروری است.

**ه) امر به معروف و نهی از منکر:** انسان موجودی اجتماعی است و رشد و تعالی او در گرو تعامل با جامعه است. تمامی افراد جامعه به مثابه اعضای یک پیکر، در عین انجام جداگانه وظایف و مأموریت‌های خویش، در مسیر حیات اجتماعی و سامان بخشیدن به زندگی صحیح انسانی شریکند؛ به همین سبب، هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به سود و زیان‌های اجتماعی بی‌اعتنا باشد و واکنشی به آن نشان ندهد، زیرا اثرات متقابل عمل هر یک از اعضا را در سرنوشت خویش دخیل می‌یابد و در جهت بهبود آن می‌کوشد.

این دو فریضه باعث تأمین حقوق همگانی و سلامت نظام اجتماعی می‌شود و در مقابل، سهل‌انگاری در آن‌ها به تضعیف دین و نابودی تدریجی امت اسلامی می‌انجامد. پویایی و آرامش و امنیت جامعه وابسته به این است که افراد در برابر یکدیگر احساس مسئولیت کنند. وحدت و امنیت جامعه، عدالت اجتماعی و اقتصادی، آبادانی و سازندگی، عزت و قدرتمندی، تضعیف دشمنان و منافقان، همگی به امر به معروف و نهی از منکر بستگی دارد؛ از این رو، جامعه‌ای که درصد آمران به معروف از ناهیان از منکر آن بیشتر باشد، تکلیف‌مداری و دینداری آن بیشتر است و در نتیجه با توجه به معیارهای اسلامی، جامعه‌ای پیشرفته‌تر محسوب می‌شود.

## رشد فضایل اخلاقی

کسب مکارم اخلاقی و رعایت شئون آن از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در قرآن کریم (شمس: ۹)، پس از سوگندهای متوالی، پاک شدن نفس انسان‌ها از رذایل اخلاقی، یعنی همان تهذیب نفس را شرط اصلی رستگاری انسان‌ها می‌داند. بدون رعایت مسائل اخلاقی، زندگی انسان‌ها سخت و خشک و بی‌روح می‌شود. می‌توان اینگونه گفت که تنها با در نظر گرفتن فضایل اخلاقی، زندگی و رفتار بشر از سایر موجودات متمایز می‌شود و در مسیر رشد و تکامل روحی و معنوی قرار خواهد گرفت. در ادامه برخی از فضایل اخلاقی و تأثیر آن‌ها در پیشرفت جامعه اسلامی را بررسی می‌کنیم.

**الف) عزت نفس:** عزت نفس، حالت و وضعیتی در اخلاق و کردار فرد است که در صورت فرهنگ شدن و نهادینه شدن آن در رفتار افراد، سیر اخلاقی و عملی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از افراد با آگاهی از حقیقت انسانی خویش، از اظهار نیاز به دیگران خودداری می‌کنند. اگرچه نیازمند هستند و نیاز شدیدی را حس می‌کنند، ولی به دلیل حفظ عزت خود از ابراز نیازی که موجب ذلت گردد، پرهیز می‌کنند. در مواردی نیز ابراز نیاز نسبت به فرد دیگر، می‌تواند تبعیت از وی را در فکر، عقیده، رفتار یا... به همراه داشته باشد که در این صورت رهایی از آن به سادگی ممکن نیست، چنانچه بسیاری از دشمنان نیز از این طریق برای وابستگی همیشگی و یا حداقل بلندمدت جوامع اسلامی و جدا کردن آن‌ها از مسیر حق و صراط مستقیم استفاده می‌کنند.

در جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری مقاومت اسلامی سبب شده است تا در عرصه‌های مختلف، تفاوت‌های چشم‌گیری نسبت به سایر کشورها شاهد باشیم و روزبه‌روز بر اقتدار و عزت کشور در عرصه‌های جهانی افزوده شود. اکنون تمام دشمنی کشورهای غربی را می‌توان به دلیل درک عزت و عظمت جمهوری اسلامی تفسیر کرد که آن‌ها این موضوع را برنمی‌تابند. در همین زمینه، مقام معظم رهبری مدظله العالی اقتدار و عزت را از شاخصه‌های نظام نبوی برشمرده و می‌فرمایند: «انگیزه و موتور پیش‌برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آن‌ها را در جهت صحیح به حرکت درمی‌آورد... جامعه و نظام نبوی، توسری خور، وابسته، دنباله‌رو و دست حاجت به سوی این و آن دراز کن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است...» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸).



براین اساس، این عامل از دو جنبه می‌تواند در سرنوشت جامعه اسلامی مؤثر بوده و به پیشرفت جامعه منتهی شود؛ یکی اینکه احساس بزرگواری و کرامتی که شخص در پرتو عزت نفس به دست می‌آورد، سبب اصلاح فرد و جامعه شده و به وی کمک می‌کند تا از روبه‌رو شدن با بسیاری از امور بی‌ارزش خودداری کند و دوم اینکه اگر فردی خود را ملزم به رعایت عزت نفس نماید و اظهار نیاز در برابر دیگران را بسیار محدود نماید، این مورد به کنترل چشم و هم چشمی و مصارف تجملی در جامعه منجر می‌شود و در نتیجه هرچه این احساس درونی در بین آحاد جامعه تقویت شود، مسیر پیشرفت جامعه نیز هموارتر می‌گردد.

**ب) مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی:** گستره و قلمرو مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی براساس آموزه‌های اسلامی شامل مسئولیت انسان در برابر انجام تکالیف دینی، مطالبات و نیازهای نظام اسلامی و اجرای قوانین و مقررات و رعایت آداب و رسوم مورد تأیید اسلام است.

رهبر فرزانه کشورمان در بیاناتی درخصوص ضرورت مسئولیت‌پذیری می‌فرماید: «نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و این‌ها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد.» (پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۶).

پذیرش مسئولیت و پاسخگویی در قبال آن، در امور حکومتی و مدیریتی و نیز کارمندان دولتی و شاغل در امور خدماتی، نمود بیشتری دارد؛ زیرا افراد بیشتری در جوامع آن را رصد می‌کنند و می‌تواند تأثیر بسیاری بر نگرش افکار عمومی داشته باشد. همچنین، توانگران و رده‌های مدیریتی کشور لازم است وظیفه خود بدانند که در برابر طبقات ضعیف و اقشار آسیب‌پذیر جامعه پاسخگو باشند؛ بنابراین، رسیدگی به مستمندان و فراهم ساختن هرچه بیشتر امکانات رفاهی، آموزشی، معیشتی، درمانی و... را می‌توان از مهم‌ترین وظایف یک مدیر در جامعه اسلامی برشمرد. همه افراد جامعه باید حس مسئولیت‌پذیری را در خود تقویت نموده و در برابر مردم و حکومت اسلامی پاسخگو باشند و از این طریق در جهت پیشرفت خود و جامعه با جدیت بکوشند.

ج) **عدل و انصاف:** رعایت عدل و انصاف، زمینه بهره‌مندی افراد از مواهب مادی و معنوی و نیز رشد و شکوفایی جامعه را فراهم می‌سازد. کسی که منصفانه با دیگران رفتار می‌کند، از همکاری آنان برخوردار می‌شود و در صورتی که روح عدالت و انصاف در گرایش‌های اخلاقی اکثریت افراد جامعه حاکم باشد، همدلی و تعاون در جامعه ایجاد می‌شود که موجب قوام زندگی اجتماعی است. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> در سخنانی، دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت معرفی می‌نماید (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰)؛ یعنی برنامه‌ها و هدف‌ها در جمهوری اسلامی جوری تنظیم شود که منتهی به پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور شود؛ همچنین ایشان عدالت و پیشرفت را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱) و می‌فرمایند: «بسیاری از ناکامی‌های امروز ما در عرصه رسیدن به هدف‌های انقلاب و اداره مطلوب کشور، به خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

اگر بی‌عدالتی، جو غالب جامعه باشد، اثرات مخربی بر پیشرفت جامعه دارد؛ زیرا اهتمام نیروی انسانی و انگیزه تلاش‌های وی را تحت شعاع قرار می‌دهد و نیز موجب تعمیق شکاف طبقاتی و تضعیف عزم ملی می‌شود.

د) **عفت و حیا:** یکی دیگر از فضایل اخلاقی، برخورداری از عفت و حیا است. عفت و حیا منحصر در مسائل جنسی نیست و دامنه وسیعی دارد که یکی از موارد آن حفظ عفت در اظهار فقر است، اینکه انسان در تنگنا قرار بگیرد، ولی خویشتن‌داری کند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: (يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا) (بقره: ۲۷۳)؛ «از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه بی‌نیازشان می‌پندارند، اما آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند.»

عفت و حیا آثار مثبت بسیاری دارد که در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. عفت، سبب آرامش درونی انسان می‌شود و بدین طریق می‌تواند موجبات تقرب به خداوند را فراهم سازد و داشتن حیا نیز باعث می‌شود انسان همواره در نهان و آشکار، خود را در محضر خدا بیابد و اینگونه خود را از ارتکاب محرمات حفظ کرده و نفس خویش را کنترل نماید. عفت اجتماعی، محیط زندگی مناسبی را برای تربیت درست قشرهای گوناگون جامعه



فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا همگان در فضای سالم تربیتی به فعالیت پرداخته و بتوانند استعداد‌های خود را ظهور و بروز دهند.

دشمنان جامعه اسلامی و علی‌الخصوص ملت ایران نیز لحظه‌ای بیکار ننشسته و از مدت‌ها پیش فعالیت‌های مختلفی را برای محور فرهنگ حجاب و عفاف از خانواده و جامعه ایرانی آغاز کرده‌اند. از جمله فعالیت‌های آنان می‌توان به توطئه کشف حجاب رضاخانی اشاره کرد - که می‌توان آن را سوغات غرب با سرنیزه نامید - که جامعه مسلمان ایران آن را برتافت و زنان مسلمان با هدایت علما مقاومت نموده و مانع چیرگی فرهنگ برهنگی در کشور شدند. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> طی سخنانی در این باره می‌فرمایند: «... برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود، برای برداشتن حیا در جامعه اسلامی بود، برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود، برای اینکه از همه کارهای دیگر بمانند ...» (بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

جامعه‌ای که بیشتر افراد آن پاکدامن باشند و از ارتکاب گناهان و تجاوز به حقوق سایر هم‌نوعان شرمسار باشند، جامعه‌ای ایمن خواهد بود، اما اگر بی‌بندوباری بر جامعه حاکم شود، افراد اولویت خود را هوا و هوس گذاشته و اوقات خود را به بطالت و در مسیر خاموش کردن جوشش درونی ناشی از هجوم شهوات می‌گذرانند؛ در نتیجه زمانی که چنین شرایطی در جامعه پدیدار شود، نهاد خانواده سست می‌شود. در چنین شرایطی تربیت فرزندان صالح که طلایه‌دار و پیشگام در مسیر پیشرفت جامعه بوده و برای آینده جامعه اسلامی راهگشا باشند، بسیار دشوار خواهد بود.

خانواده از ارکان زیرساختی جامعه، بلکه خود، جامعه کوچکی است که نقش بالا و برتری در ساماندهی درست و تربیت اجتماعی دارد. حضور مؤثر معنویت خانواده در ارتقا و پایداری معنویت اجتماعی مهم و سرنوشت‌ساز است؛ چراکه حذف معنویت در خانواده، عامل حذف معنویت در جامعه و آنگاه تخریب آن خواهد شد؛ به همین دلیل قدرت‌های ستمگر عالم، به‌ویژه در صدسال اخیر، بر حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده‌اند. وقتی کانون خانواده نسبت به معنویات سرد و خاموش باشد، نتیجه مستقیم آن سردی و خاموشی معنویت در کانون جامعه است؛ بنابراین، لازم است کانون خانواده را به‌صورت دائمی مراقبت کرد تا معنویات در آن حضور پررنگ داشته باشد.



مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> همچنین عامل بسیاری از گرفتاری‌ها را دوری از معنویت و فضیلت، گسست خانواده و تزلزل پیوند فرزندان با والدین می‌دانند و آن را نتیجه رشد مادی بدون رشد معنوی معرفی می‌نمایند. اینک غرب در تلاش است تا راه به منزل نرسیده را فراروی جوامع اسلامی قرار دهد، راهی که با مطلق کردن علم و عقل و نفی دین و معنویت در طول چند قرن تجربه شد و چیزی جز پیامدهای منفی و خسارت‌بار بر جای نگذاشت. (رودگر، ۱۳۹۲: ۵۹-۸۶).

مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> همچنین بر استحکام و تقویت بنیان خانواده تأکید کرده و می‌فرماید: «ما باید در کشورهای خود با فساد مبارزه‌ای جدی آغاز کنیم. باید بنیان خانواده را محکم و نخستین و اصلی‌ترین پرورشگاه آدمی را کانون صفا و معنویت کنیم» (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۲۱).

### رشد علمی

اسلام به سوادآموزی و تحصیل از آن جهت تأکید می‌ورزد که مقدمه کسب انواع علوم و نیز انجام دادن تحقیقات و پژوهش‌های علمی در جهت پیشرفت صنعت و تکنولوژی و به تبع آن دستیابی جامعه اسلامی به عزت و استقلال همراه با اقتدار است که در نهایت به پیشرفت علمی جامعه اسلامی و مسلمین می‌انجامد. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> نیز همواره بر ضرورت سوادآموزی و فراگیر شدن نهضت‌های سوادآموزی تأکید داشته و آموزش همه افرادی که به سن تحصیل رسیده‌اند را ضروری و لازم می‌داند. از نظر ایشان باید به مرحله‌ای برسیم که داشتن گواهینامه ابتدایی مثل داشتن شناسنامه برای همه افراد واجب و لازم باشد که این خود نشان‌دهنده اهمیت ویژه جمهوری اسلامی و مسئولین امر نسبت به مسئله سوادآموزی و جایگاه ویژه آن است (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲).

آدمی پس از سوادآموزی، کسب علم و گام نهادن در عرصه مطالعه و تحقیق، باید پا را فراتر نهاده و در جهت تولید علم گام بردارد. برای گسترش علوم بکوشد و با به‌کارگیری معلومات قبلی خود، آن‌ها را با معلومات جدید گره بزند، روابطی نو بین آن‌ها ایجاد کند و ابداعات و اختراعات را پدید آورد. در زمینه رشد علمی، موضوعی که بیش از هر چیزی ضروری به نظر می‌رسد، گام نهادن در عرصه اسلامی سازی علوم انسانی است؛ چراکه رهبر





معظم انقلاب (مدظله) علوم انسانی را نیازمند تحولی عظیم می‌دانند که باید مجدداً و مبتنی بر مبانی دینی تولید شود.

ایشان در بیاناتی می‌فرمایند: «در بین این مجموعه عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم دانشجو در دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون این‌ها دانشجویان علوم انسانی‌اند. این به یک صورت، انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است. بسیاری از مباحث علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری است، مبنایش حیوان‌انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است...» (بیانات در ۱۳۸۸/۶/۸).

علوم انسانی غربی، مبتنی بر مبانی مادی و فلسفه‌های مادی شکل گرفته و زیربنای چنین علوم، تفکر و اندیشه مادی است. علم غربی دارای لایه‌های پنهانی است که ایدئولوژی غربی نیز در این لایه‌ها پنهان شده و آشکار نیست. غرب، مدعی است که نمی‌شود دنیای ما براساس دین اداره شود، بلکه باید بافت نیروی انسانی کشورها به لحاظ اندیشه و تفکر و درک از جهان هستی متحول شود. آن‌ها به دنبال حکومت ایدئولوژی دنیاپرستانه و تکیه بر لیبرالیسم و اومانیسم و فاصله گرفتن از آموزه‌های وحیانی هستند (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

غرب از طریق پنهان ساختن ایدئولوژی خودش در علم غربی و جهانی‌سازی این علم، در واقع ایدئولوژی خودش را جهانی کرده است؛ بنابراین، ضروری است با گام برداشتن در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی، این دانش‌ها را بومی‌سازی کرده و معنویت را سرلوحه و اساس کار و زندگی خود قرار دهند و از این طریق، جامعه اسلامی نیز از فقر علمی، معرفتی، صنعتی و... به درآمده و گرفتار گرداب کشنده و تحقیرکننده جوامع سلطه‌جو نشود و کارآمدی‌اش تحت تسخیر و سلطه غرب قرار نگیرد.

انسان در پرتو رشد و نمو در سایه علوم اسلامی، علم را در طول عبادت و آگاهی را همدوش ایمان دانسته و می‌کوشد تا بشر علم‌زده و علم‌گریز را به سوی علم و ایمان، تفکر و تقوا، خردگرایی و خداباوری سوق دهد و با افراط و تفریط تاریخی انسان در جهان معاصر



شرق و غرب مبارزه کند، چه غرب که به نام دانش، دین را فرو گذاشته و چه شرق که به نام دین، دانش را رها کرده است. امروز درمان تمام آلام جوامع انسانی، گرایش به دین اصیل آسمانی است که طرفدار دانش و دین توأمان است تا به واسطه آن، علم و عدالت و تحصیل و تهذیب در جایگاه عناصر سعادت بخش انسان قرار بگیرد و مؤلفه‌های خوشبختی و پیشرفت و رستگاری آدمیان بر پایه ایمان و علم رقم بخورد.

مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> پیشرفت علمی و فراگیری علم را نیاز اول کشور جهت رسیدن به اهداف خود دانسته و معتقد هستند برنامه‌ریزی برای رشد علمی در سیاست‌های کلان جامعه ضروری است. ایشان می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربی‌ها علم را دارند؛ اما در کنار علم و آمیخته با این علم، چیزهایی را هم دارند که از آن‌ها می‌گریزیم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم، ما می‌خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. در قله قدرت‌های غربی، آمریکا است ... از سلاح به وسیله علم استفاده می‌کنند، از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله علم استفاده می‌کنند ... علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملت‌ها، در خدمت استعمار، در خدمت خون‌ریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم، ما این جور عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما این جور علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند ... اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد ... عالم مسلمان این را می‌خواهد؛ نزدیکی به خدا، معنویت، اخلاص، صفا و این است که آن وقت این علم، این ذخیره عظیم، این حربه بزرگ در خدمت دفاع از انسانیت به کار می‌افتد، در خدمت امنیت انسان‌ها، عدالت بین انسان‌ها، صلح و صفای انسان‌ها و جوامع بشری به کار می‌افتد. ما این را می‌خواهیم. این را برای خودتان هدف قرار بدهید» (بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲).

جامعه غربی با وجود دسترسی به انواع علوم مدرن و تکنولوژی‌های برتر، به دلیل ضعف معنویت و فقدان ارزش‌های اصیل انسانی، هدفی جز اهداف مادی دنیوی در پیش‌روی خود



نمی‌یابد و به دلیل نگاه یک‌جانبه به زندگی، برترین دستاوردهایش را نیز در همین زمینه به خدمت می‌گیرد و نتیجه‌اش می‌شود ساخت انواع سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی و یا سلاح‌های شیمیایی؛ زیرا قدرت و برتری دنیا و سلطه‌جویی چنان در دل‌هایشان رسوخ کرده که نسبت به هر چیز دیگری غیر از آن نایبنا شده‌اند؛ ولی برخلاف آن در جامعه اسلامی، انسان‌های مؤمن و متعهد برای دستیابی به دانش‌های نوین و علم روز با هدف رفع نیازهای بشر و پیشرفت و شکوفایی جامعه خود می‌کوشند. دشواری این مسیر پریچ‌وخم را به جان خریده و با پیش آمدن هر مشکلی، تکیه بر خدا کرده و لحظه‌ای غفلت نمی‌کنند. با یاد خدا، یأس و ناامیدی راهی به دل و جان ایشان نمی‌یابد و روح معنویت و کار جمعی را بر محیط حاکم می‌کنند و تمامی همت خود را معطوف به دستیابی به هدف‌ها و پیشرفت جامعه اسلامی می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

دیدگاه توسعه انسانی غرب، زندگی مطلوب بشر را بر اصل رفاه مادی انسان استوار کرده و از بعد روحی و معنوی او غافل شده است. مهم‌ترین پیامد این اندیشه نیز پوچ‌گرایی است که آثار زیان‌بار آن در فرد و جامعه بدیهی است؛ زیرا چنین انسانی همواره شبانه روز خود را در اضطراب و پریشانی به سر می‌برد و عاقبتی مأیوس‌کننده پیش روی خود می‌بیند؛ ولی در نگرش اسلامی، انسان آفریده خدا است و به‌سوی او در حرکت است؛ از این رو، ضروری است که رفتارهای وی نیز در مسیر دستیابی به سعادت ابدی باشد.

سعادت، رشد و پیشرفت جامعه اسلامی به رشد فضایل اخلاقی وابسته است که باید منجر به تکامل انسان و جامعه شود. بدون شک، دستیابی مطلوب به فضایل اخلاقی و پیشرفت نیز بدون علم و معرفت ممکن نیست و به همین دلیل در آیات و روایات فراوانی بر لزوم رفتار همراه با علم و معرفت تأکید شده است. دیدگاه اسلام نسبت به رشد علمی بسیار جامع‌تر از غرب است و چنین نگاهی تفکر و بصیرت، خلاقیت و نوآوری را همراه با اخلاص و نوع‌دوستی به همراه دارد.

در انتخاب معیارهای پیشرفت جامعه، مهم‌ترین نقش را ارتباط با خدا و پایبندی به دین ایفا می‌کند که در قالب ایمان و عمل صالح تجلی می‌یابد و اخلاق و رفتار انسان را در مسیر

پیشرفت و تکامل مادی و معنوی جامعه شکل می‌دهد. چنین دیدگاهی در نگاه سکولار غربی وجود ندارد؛ زیرا اکنون به آموزه‌های تحریف‌شده مسیحیت نیز در صحنه عمل توجهی نمی‌شود و دین به امری محدود به زمان خاص و محبوس در کلیسا تبدیل شده است؛ بنابراین، با توجه به این اثر می‌توان موارد زیر را شایان ذکر دانست:

۱. ما نه غرب‌پذیریم، نه غرب‌گریزیم و نه غرب‌ستیزی کور را دنبال می‌کنیم. رویکرد ما، رویکرد استحاله تمدن غرب در تمدن اسلامی است؛ بنابراین، شایسته است با گام نهادن بیش از پیش در عرصه تولید علوم انسانی اسلامی، مبانی اندیشه‌ای جوانان که مخاطب اصلی بیانیه هستند را شکل داده و تقویت نماییم.
۲. با توجه هرچه بیشتر نسبت به تعمیق فرهنگ ارتباط با خدا در مدارس و دانشگاه‌ها در راستای نهادینه کردن ارزش‌های معنوی در جامعه کوشیده و در این مسیر از ساده‌ترین کارها - مثل عدم برگزاری کلاس هنگام اذان - نیز غافل نشویم.



## منابع

- قرآن کریم.
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۷). توسعه و مبانی تمدن غرب. تهران: واحد، چاپ هفتم.
- خلیلیان، محمدجمال (۱۳۹۳). معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه، چ ۱.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۹۲). «کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)». نشریه مطالعات معنوی. ش ۱۰، ۵۹ - ۸۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). پیشرفت اسلامی. تهران: امیرکبیر، چ ۱.
- قائم مقامی، سیدمحمد (۱۳۹۴). سیری در معنویت اسلامی. تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، چ ۱.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۶). علل پیشرفت و انحطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار ۴. تهران: صدرا، چ ۱۶.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۰). اخلاق و معنویت در آینه نگاه مقام معظم رهبری (مدظله). تهران: چ ۱.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸). عصر جدید. قم: تمدن نوین اسلامی، چ ۱.
- نکویی سامانی، مهدی (۱۳۸۶). «دین در دنیای مدرن». نشریه معرفت. ش ۱۲۳.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۳). «نگرش سیستمی به دین». کتاب نقد. ش ۳۳، ۱۰۵ - ۱۳۸.



